

داستان دوستی احمد خان پوپلزائی درانی (ملقب به مردانزائی) با الحاج حضرت شیخ سعدالدین انصاری و آشنائی با اخلاف احمد خان پوپلزائی (درانی).

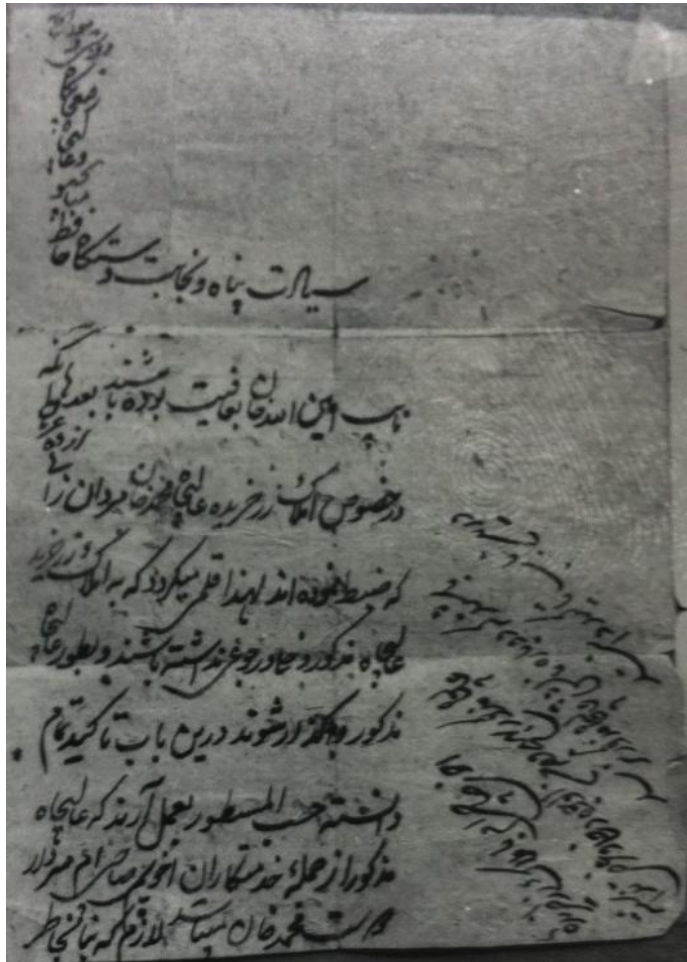
از اسلاف احمد خان درانی معلومات مؤثق تاریخی بدست نیست اما روایت است که احتمالاً احمد خان یکی از اخلاف علی مردانخان ولد گنج علی خان که در زمان سلطه شاه جهان مغلی بر افغانستان (۱۶۳۹م) "صفحه ۲۹۹ افغانستان در مسیر تاریخ میر غلام محمد غبار" حاکم کابل بوده باشد او در منطقه که زیست میکرد بنام گذر علیمردانخان شهرت پیدا کرد و باغ بزرگ و زیبایی را که در همان منطقه کابل احداث کرده بود الی امروز بنام خودش یعنی باغ علیمردان یاد میشود، گرچه جناب محترم محمد کریم خان ابراهیمی که دانشمند و نیویسنده پرکار و زحمتکش است یک سلسله تحقیقات خود را در باره علیمردانخان تحریر فرموده اند. اما متأسفانه معلومات بیشتر که اساس و بنیاد تاریخی داشته باشد که احمد خان درانی را با علی مردانخان و قندهار وصل نماید و او را مردانزائی نامند بدست نیست و به تحقیق بیشتر ضرورت است. آنچه را که از بزرگان سینه به سینه انتقال نموده و بیشتر مورد اعتماد است در ذیل به رشته تحریر آورده میشود. "وقتی تیمور شاه ابدالی بعد از فوت پدرش احمدشاه ابدالی مؤسس افغانستان نوین بتاريخ ۲۳ اکتوبر ۱۷۷۳م بقدرت رسید یکسال بعد نظر به ملاحظات ستراتیژیکی پایتخت را از قندهار به کابل انتقال و یک عده از بزرگان اقوام و قبایل درانی، بارکزائی ها و قزلباشهای قندهار را با خود به کابل آورد، پشتونها در یک منطقه و قزلباشها در منطقه دیگری شهر کابل مسکون گردیدند، که بعداً منطقه پشتونها به نام ده افغانان مشهور گردید، از اینکه احمد خان درانی مسکون ده خواجه شهر قندهار نیز از نزدیکان و شخص مقرب تیمورشاه بود نیز در جمله اقوام فوق الذکر بکابل منتقل گردید، چون تولد حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری در سال ۱۷۲۱م تخمین گردیده لهذا در زمان انتقال سلطنت بکابل عمرشان در حدود ۵۳ سال بوده، گرچه روایت است که دوستی احمد خان درانی با جناب حضرت صاحب شیخ سعدالدین انصاری در دوره احمد شاه ابدالی در قندهار صورت گرفته باشد اما با احتمال قوی که استحکام دوستی احمد خان پوپلزائی (درانی) که بعداً برمیدی حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری تبدیل گردید در همین دوره سلطنت تیمورشاه ابدالی صورت گرفته باشد.

احمد خان درانی شخص نهایت عالم، دلیر و با قدرت و متدین در دوره سلطنت شاه زمان ابدالی پسر تیمورشاه بود و مخالفت شدید به رسیدن پای انگلیسها به هند داشت، در همین دوره سلطنت شاه زمان بود که احمد خان ابدالی بنا بر ارادت و اخلاص عقیدوی که به حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری داشت مقبره بزرگ و زیبایی را که اکثر سنگهای کاشی آن از کشمیر آورده شده بود قبل از وفاتش در ملکیت شخصی خود واقع پامینار اعمار داشت، وزمینهای دور و پیش آنرا که الی زیارت پاچا صحب (خسر حاجی صاحب شیخ سعد الدین انصاری) میرسد وقف مصارف خانقا و حفظ و مراقبت زیارت حاجی صاحب نمودند، حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری وثیت فرمودند که اگر اول حاجی صاحب فوت نمایند، احمد خان پوپلزائی (درانی) نیز در پهلویش در عین مرقد دفن گردند و اگر احمد خان پوپلزائی (درانی) اول فوت نمایند در حضرت حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری در پهلویش دفن گردد و بزرگان میگفتند که نظر به دلیری، سخاوت و اخلاص عقیدوی احمد خان پوپلزائی (درانی) به حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری که بعداً شهرت به حاجی صاحب پامینار و زمینهای دور و پیش زیارت شان بنام دشت پامینار یا ده یحی مشهور گردید، لقب مردانزی را به احمد خان درانی اعطا کرده باشند، قابل تذکر است که حاجی صاحب شیخ سعد الدین قبل از وفاتش که در سال ۱۸۰۶م صورت گرفته به زیارت انتقال نموده و روایت که از سینه به سینه انتقال نموده میگویند که در دوره اول شاه محمود ابدالی (۱۸۰۱-۱۸۰۳م) چشمان برادر خود شاه زمان را نشتر زد احمد خان درانی نیز حضور داشت، در همین وقتکه شاه محمود امر کرد که چشمان احمد خان ابدالی را نیز نشتر بزنند حاجی صاحب شیخ سعدالدین انصاری در دالان زیارت نان چاشت را با مریدان خود صرف میکردند دفعاً هردو کف دست را بالای چشمان خود ماند و واخ صدا زد و از پشت دستش خون ریخت، وقتی مریدانش از نزدش پرسیدند که چه شد، شیخ فرمودند که چشمان دوستم را نیشتر میزد من دستهای خود را گرفتم که کور نشود. و بعداً در همان شب احمد خان درانی خواب دید که حاجی صاحب برایش میگوید که چشمانت را بازکن کور نشدی من مانع آن شدم و قتی احمد خان چشمان خود را باز کرد واقعاً کور نشده بود."

(از قول عبدالستار خان پوپلزائی (درانی)، میرنجم الدین خان انصاری و میرمحمود خان انصاری.)

همچنان باید متذکر شد که بعداً عبدالستار خان پوپلزائی (درانی) تمام اسناد و وقفنامه را در سالهای ۱۹۵۶ یا ۱۹۹۵۷م بحضور نویسنده (انجنیر فضل احمد افغان پسر عبدالستار خان پوپلزائی (درانی)) به جناب محترم مشاور صاحب میرنجم الدین خان آغا انصاری و سه برادر معزز و محترم شان در منزل خودش در نوآباد دهمزنگ تسلیم دادند.

احمد خان درانی (مردانزائی) یک پسر بنام محمد خان درانی که نیز ملقب به مردانزایی بود داشت که او چون پدر خود شخصیت عالم، با تقوی، مبارز و خدا پرست بود، صاحب ملکیت‌های زیادی از میراث پدری و یا زرخید خودش در قندهار، کابل و لوگر بود که یکی از جایداد های او در ده عربان کابل که در دور دوم شاه شجاع ابدالی (۱۸۳۹م-۱۸۴۳م) که بنابر مخالفت محمد خان ابدالی (مردانزائی) بحضور انگلیسها در افغانستان ضبط گردیده بود در دوره دوم امارت امیر دوست محمد خان (امیر کبیر) (۱۸۴۳م-۱۸۶۳م) به اساس امر که عنوانی نایب امین الله خان لوگری صادر گردیده بود

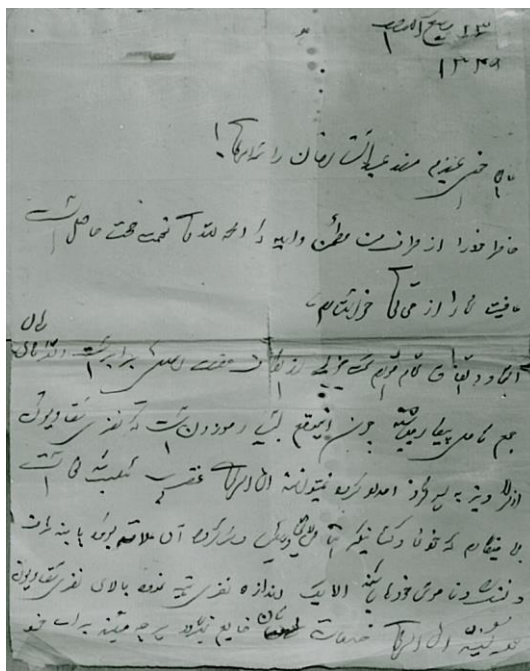


مجدداً به اساس فرمان هذا تصاحب گردیدند. و بعداً محمد خان پوپلزائی (درانی ملقب به مردانزائی) در حیات خود قلعه بزرگی را که شهرت به قلعه درانی دارد در مجاورت کوه چهلتن بطرف شرق جوی پنده در منطقه برکی راجان مربوط ولسوالی برکی برک لوگر اعمار و از محصولات زمینهای زرخید آبی دور و پیش آن و زمین کارزی دور و پیش کوه چهلتن که الی قلعه دلاور بنام دشت دلاور یاد میشود با چهار فرزند خود که عبارت بودند از عبدالصمد خان درانی، سلطان خان درانی، سعادتخان درانی و وحدت خان درانی در همان قلعه درانی زیست و امرار حیات می نمود و بیشتر عمر خود را به عبادت خداوندی وقف نمود، او نیز چون پدرش شخصیت نهایت سخاوتمند، مردم دار، مبارز، با رسوخ و صاحب عزت بدرباریان وقت و مردم لوگر بود. محمد خان درانی (مردانزائی) در اخیر عمرش شخص صوفی مشرب شد. او قبل از فوت ملکیت‌های فوق الذکر لوگر را وقف اولاد و بازماندگان شان نمود، به اساس روایات بزرگان سپس در وقتیکه مریضی عاید حالش شد به عربستان سعودی سفر نمود و در همانجا فوت و قرار بعضی نظریات بزرگان قوم درانی در حضیره حضرت عثمان (ع) در مجاورت قبرش دفن گردید.

بعداً در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰م-۱۹۰۱م) با صلاحیت که در امور داخلی از طرف انگلیس برایش داده شده بود سیع داشت که با مشت آهنین خود افغانستان سه پارچه را واحد و مخالفین خود وانگیسها را، با دوستان سردار محمد ایوب خان، غازیان جنگ اول و دوم (افغان وانگلیس) را با کشتن و فرار کردن به هند از بین ببرد که یکی از قربانی شده گان آنوقت جد امجد نویسنده یعنی عبدالصمد خان پوپلزائی (درانی) نواسه احمد خان درانی (مردانزائی) (حاکم ولسوالی چرخ لوگر آن وقت) بود که بطرفداری از سردار محمد ایوب خان و دشمنی به توطیه های انگلیس اشغالگر فعالیت میکرد، توسط امیر عبدالرحمن خان چشمانش نشتر زده شد و با خانواده های سه برادرش هریک سعادت خان درانی، سلطان خان درانی و وحدت خان درانی برای بیست و دو سال به هند فرار و همه جایداد فوق الذکر شان در لوگر ضبط گردید که عبدالستار خان پوپلزائی (درانی) بعد از بازگشت بوطن در زمان امیر حبیب الله خان (سراج الملت و دین) بحیث بزرگ قوم مجدداً قسمت از جایادهای ضبط شده را در تصرف خانواده احمد خان درآورد سپس در حیات الحاج عبدالستار خان

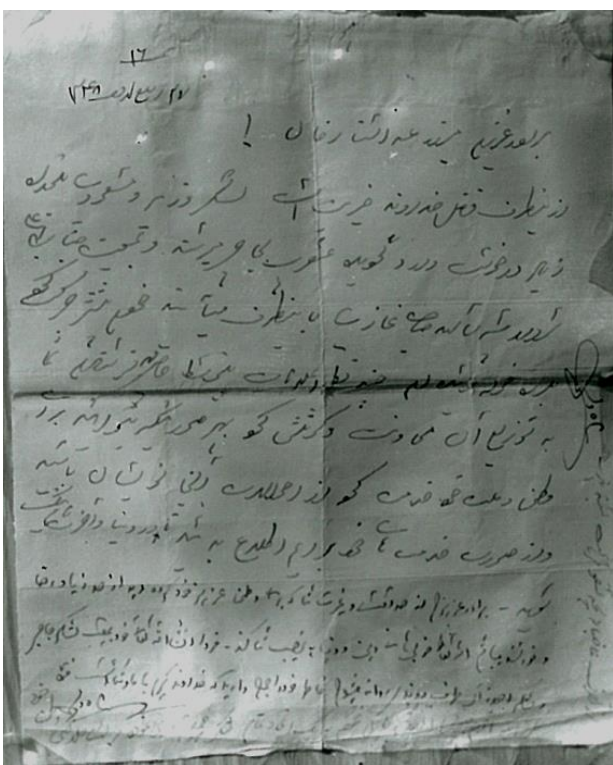
پوپلزائی درانی و حضور داشت اکثر قومی دولت وقت زمین کارزی دشت دلاور فوق الذکر را با اعزام هیأت سروی، جریبکشی و با تعیین حدود آن ملکیت درانی ها را به اساس وقفنامه دستداشته درانی ها بنام شان ثبت دفاتر گردید. عبدالستار خان پوپلزائی (درانی) در آغاز دوره سلطنت علیحضرت امان الله خان در پکتیا برای تشویق اقوام و قبائیل مناطق مختلف آن سمت برای آمدگی برای جنگ در مقابل انگلیس با سردار محمد نادر خان مؤظف بود، سپس بعد از سقوط دوره مترقی شاه امان الله در دوره سیاه و تاریک امیر حبیب الله کلکانی نیز برای بازگشت علیحضرت امان الله خان با نادر خان بهمکاری خوانین، ملکان و ریش سفیدان مناطق مختلف لوگر در جمع آوری لشکر در مقابل امیر حبیب الله کلکانی فعالیت میکرد،

دو قطعه نامه سردار محمد نادر خان و برادرانش در دوران مبارزات آزادی افغانستان از چنگال حبیب الله کلکانی.



۲۳ ربیع الاول
۱۳۴۹ق

عالیجاه اخوی عزیزم میرزا عبدالستار خان را
خاطر خود را از طرف من مطمئن دارید که الحمدلله نعمت صحت حاصل است عافیت شما را از حق تعالی خواستارم. اتفاق تمام اقوام سمت جنوبی از الطاف حضرت الهیث برابر است و لشکر های شان جمع، کامل شامل پیکار میباشند چون این موقع بسیار موزون است که نفری سقاویون از گردیز به سیر... حمله کرده نمیتوانند انشاءالله تعالی عنقریب سلب شدنی است.
من مینگارم که خود شما و کسانیکه اشخاص لایق وطن و سرکرده آن علاقه بوده و پابند شرف و ننگ و ناموس خودها باشند الی یک اندازه نفری تهیه نموده بالای نفری سقاویون حمله کنید انشاءالله



تعالی خدمات تان ضایع نمیگردد هر چه میکنید برای.....

نامه نمبر ۱۶

نامه مؤرخ ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۸ق
برادر عزیزم میرزا عبدالستار خان!

از اینطرف فضل خداوند خیرت است لشکر وزیر و مسعودی تعداد زیاد در خوست وارد گردیده عنقریب بجاجی میرسند و معیت جناب اعلی سردار سپه سالار صاحب غازی به اینطرف می آیند خودم پیشتر حرکت کرده به فرقه رسیده ام چند قطعه اعلانات بتوسط حاجی محمد فرستادم شما به تودیع آن معاونت و کوشش کرده بهر صورتیکه میتوانید برای وطن و ملت خدمت کرده از احوال انجا نویسان باشید و از صورت خدمت های خود برایم اطلاع بدهید تا در دنیا و آخرت نام نیک شوید. برادر عزیزم از صداقت و غیرت شما که برای وطن عزیز خود کرده اید از حد زیاد رضا و خورسند میباشم الله تعالی خوبیهای دین و دنیا به نصیب شما کند. فردا انشاءالله تعالی خود بمعیت لشکر جاجی به پل خداوند کریم با ما و شما است. فقط. شاه ولی

علم آمده از طرف دیوندی روانه می شوم خاطر جمع دارید که

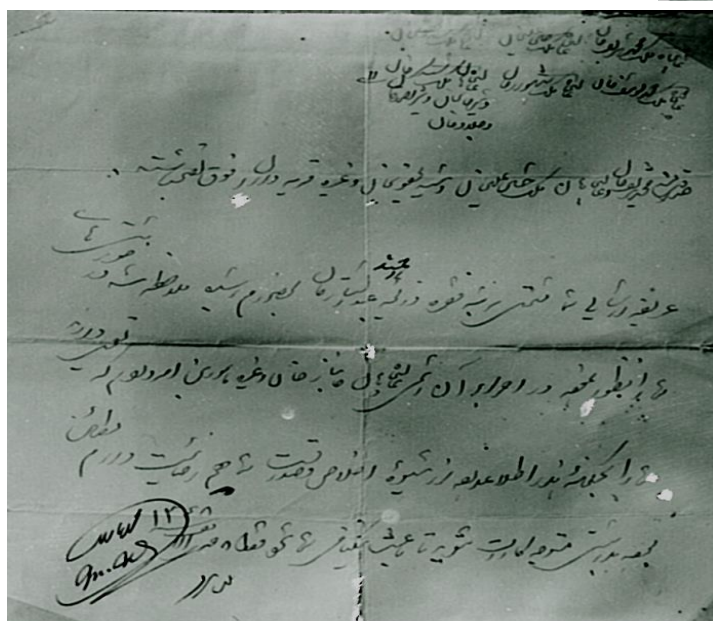
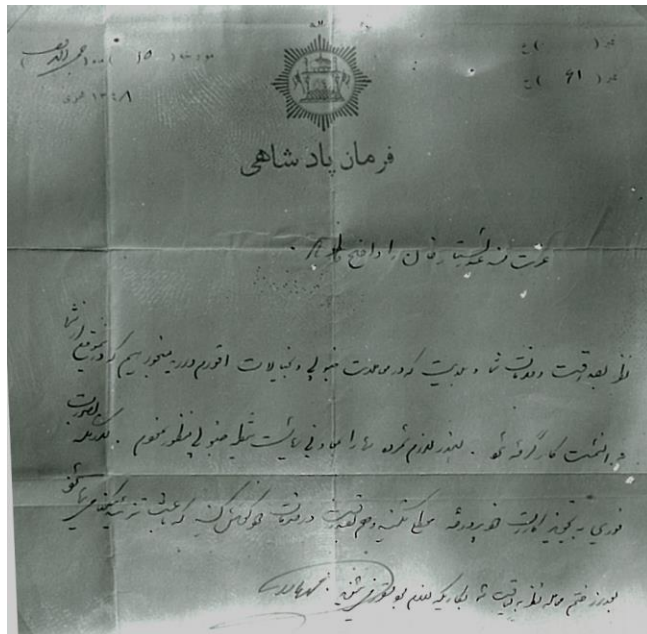
با موفقیت سردار نادر خان چون علیحضرت امان الله خان به روم رسیده بود و حبیب الله کلکانی در کوهستان مقاومت نشانمیداد و متأسفانه نادر خان نیز نمیخواست به قول خود که بازگشت علیحضرت امان الله خان به ارکه قدرت باشد وفا کند و یا میل نشان بدهد که نداد. واقعاً برای عبدالستار خان پوپلزائی (درانی) و دیگر علاقمندان شاه امان الله خان مأیوس کننده بود لهذا برای نجات از حبیب الله کلکانی و استقرار صلح و وحدت ملی در افغانستان پارچه پارچه شده، مردم روی مجبوریت نادر خان را بحیث پادشاه انتخاب نمودند او بعد از انتخاب کابینه ده نفری خود، بخاطر اهمیت موقعیت ستراتیژیکی ولایت پکتیا و آشنائی میرزا عبدالستار خان پوپلزائی (درانی) با مناطق پکتیا و مردم آن ولایت او نیز مؤقلاً بحیث معاون ریاست تنظیمیه آن ولایت با صدور فرمان تعیین و برایش وعده داده شد که بعداً به وظیفه دیگری در نظر گرفته خواهد شد. و نیز از ملکان و خوانین با رسوخ که در لشکرکشی در مقابل حبیب الله کلکانی همکاری نموده بودند طی صدور فرمانی قدر دانی نمود.

فرمان شاهی

نمبر ۱۶ مؤرخ ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۸ قمری

عبدالستارخان را واضح خاطر باد

نظر به صداقت و خدمات شما و بلدیت که در معاملات جنوبی و قبیایلات اقوام دارید میخواهم که در این موقع از شما در آنست کار گرفته شود. لهذا لازم شمرده شما را به معاونی ریاست تنظیمه جنوبی منظور نمودم بصورت فوری به تجویز کارات خود پرداخته معطلی نکنید و هم بصداقت در خدمات خود کوشش کنید که باعث تزیید نیکنامی شما شود بعد از ختم معامله نظر به لیاقت شما بکاریکه لازم بود مقرر میشود. محمد نادر.



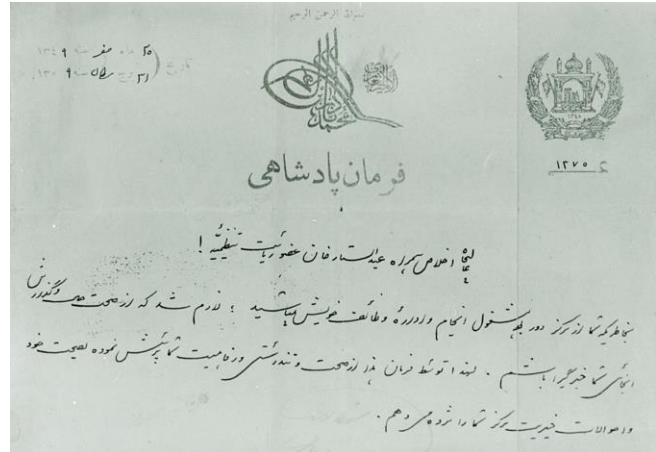
ملک محمد شریف خان، عالیجا ملک حسن علی خان، ملک سید حسین خان، شیر جان خان، عالیجاه محمد یوسف خان، عالیجا ملک شهسوار خان، شیر

احمد خان و جلاذ خان.

صداقتمند محمد شریف خان، عالیجاهان ملک حسین و سیدیعقوبخان و غیره قریه داران فوق بصحت باشید عرایض شما مشتمل به سه فقره ذریعه ارجمند عبدالستار خان بحضورم رسید ملاحظ شد در خواست های شما را منظور نموده در اجرای آن اسمی عالی جنابان و غیره مامورین امر داد که تعمیل دارند شما را به حکمنامه هذا اطلاع داده از شیوه اخلاص و صداقت شما هم رضایت دارم مطمئن بوده بدرستی متوجه کارات شوید تا باعث نیکنامی شما شود. محمد نادر

فرمان شاهی
تاریخ ۲۵ ماه صفر ۱۳۴۹ ق
عالیجاه اخلاص همراه عبدالستارخان عضو ریاست
تنظیمه.

بخاطریکه شما از مرکز دور بوده و مشغول انجام و اداره وظایف خویش میباشید لازم شد از صحت حال و گذارش آنجای شما خبر گیرا باشم لهذا توسط فرمان هذا از صحت و تندرستی و رفاهیت شما پرسش نموده از صحت خود و احوالات مرکز شما را مژده میدهم.



باید متذکر شد که عبدالستار خان پوپلزای (درانی) نیز بعد از قتل نادر شاه در زمان شاهی مطلقه محمد ظاهرشاه دوره صدارت سردار محمد هاشم خان در یک دسیسه دو ماه در صدارت نظربند و شش سال محاکمه گردید تا بالاخره در دوره صدارت شاه محمود خان برائت حاصل و همکاری خود را با دولت قطع کرد. (شرح بیشتر در دوره شاهی مطلقه علیحضرت محمد ظاهر شاه).

الحاج عبدالستار خان پوپلزای (درانی) که علاعیش با دولت قطع بود در دوره صدارت سردار محمد داود خان با اعلان سفربری و دائر شدن لویه جرگه عنعنوی (۱۹۵۵ م) بنابر احساس وطندوستی قرارش نگرفته برای دفاع از مادروطن منافع ملی و دفاع از حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ، به نمایندگی مردم وطندوست و غیور لوگر در لویه جرگه اشتراک و در تالار لویه جرگه به نمایندگی ننتها مردم لوگر بلکه نمایندگان قندهار نیز طی صحبت مفصل وعده سی هزار جوان مسلح با تمام مصارف آنرا به حکومت سردار محمد داود داد که در مقابل پاکستان برای دفاع از نوامیس ملی، افغانستان و برادران پشتون و بلوچ استفاده نمایند، که حاضرین بشمول سردار محمد داود خان و رئیس لویه جرگه به پا برخاستند و از سخنرانی عبدالستار خان پوپلزای (درانی) با کفزدنهای ممتد استقبال کردند.



عبدالستار خان پوپلزای (درانی) در موقع سخنرانی.



الحاج عبدالستار خان پوپلزای (درانی) ولد عبدالودود خان درانی و نواسه عبدالصمد خان درانی که متولد ۱۸۸۶م در هند بود در فیروزی ۱۹۸۲م به سن ۹۶ سالگی فوت و در شهدای صالحین دفن گردیدند او از چهار خانمش، دارای هشت پسر یعنی عبدالغنی پوپل، نور احمد نور، انجنیر فضل احمد افغان، فقیر احمد پوپل، داکتر عزیز احمد، فیض احمد پوپل، عبدالاحمد پوپل و احمد طارق پوپل و سیزده دختر که عبارت از شیرین تاج، زهرا پوپل، سلطانه پوپل، لطیفه پوپل، ملیحه پوپل، نفیسه پوپل، بنهلا پوپل، رونا پوپل، مسعوده پوپل، فهیمه پوپل، پلوشه پوپل و فوزیه پوپل بودند.

انجنیر فضل احمد افغان که متولد ۲۲ اکتوبر، ۱۹۳۷م در صالحان قندهار میباشد از خانم خود بی بی حاجی زهرا احمد سه دختر هر یک وژمکی احمد، زرگی احمد، برشکی احمد و یک پسر شفیق احمد میباشد.

انجنیر فضل احمد افغان در کانفرانس بین الافغانی (۲ جنوری ۲۰۱۰م) در سانفرا نسسکو، کالیفورنیا امریکا

(Donnerstag, ۲۱. September ۲۰۱۷ ۲۳:۲۶) محمد معصوم هوتک

جناب انجنیر فضل احمد افغان معلومات بسی ارزنده و مفیدی راجع به جد امجد خود احمد خان درانی پوپلزائی مردانزائی نوشته و از خواندن آن مستفید گردیدم. در آغاز نوشته به ارتباط نسبی احمدخان با علیمردان خان مشهور اشاره شده و خواستار تحقیق مزید شده است. تا جائیکه به این حقیر معلوم است، علیمردان خان پسر گنج علیخان از جمله افسران کردی نسب دربار شاهان صفوی پارس بوده و از طرف آنها بحیث حاکم قندهار تعیین شده بود. وی در سال ۱۶۳۸م نظر به اختلافی که بین او و شاهان پارس پیدا شد، قندهار را بدون جنگ به شهنشاه هند، شاهجهان تسلیم نمود و بدین طریق مورد تفقد دربار مغل واقع گردید و به مناصب بلند نظامی رسید. علیمردان خان از لحاظ نژادی به کردان پارس تعلق داشت. پیوند دادن احمدخان درانی پشتون با علیمردان خان کرد نژاد از لحاظ اتنیکی افسانه‌ای بیش نخواهد بود. شاخه مردانزائی درانی یکی از شاخه‌های مشهور قبیله پوپلزائی بوده و هیچگونه ارتباط با علیمردان خان کردی نسب ندارد. اینکه وجه تسمیه مردانزائی چه خواهد بود، به صاحب این قلم معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این است که ارتباط نسبی با علیمردان خان کرد نژاد ندارد. با عرض حرمت محمد معصوم هوتک

نظر مرحوم محمد صدیق فرهنگ (افغانستان در پنج قرن اخیر صفحه ۷۱)

مرحوم فرهنگ در قسمت دوره شاه جهان مغلی مینویسد " شخصی دیگری که در آن عصر به آبادی و زیبایی شهرهای کابل و قندهار توجه کرد علی مردان خان پسر گنج علی خان بود که نخست از جانب دولت صفوی بحکومت قندهار مامور شد ام بعد به دولت هند پیوسته بعنوان صوبه دار کابل مقرر شد. وی چارچته معروف و نفیس کابل را که در سال ۱۸۴۲ بامر ژنرال پالک انگلیسی تخریب گردید با باغ‌ها و ابنیه دیگری در کابل و قندهار بذوق بدیع برافراشته و محله‌ای در کابل بنا کرد که بنام او معروف است."